

نمایندگه مطلوب و شاخص های آن

شیوه حضور و نقش مردم در اتخاذ تصمیم های
مختلف چگونه است؟

محمد رضا طالبی نژاد

دکترای جامعه شناسی

یکی از مهم ترین مؤلفه های هر جامعه ای، بخصوص جوامع مردم سالار و دموکراتیک، شیوه حضور مردم در اتخاذ تصمیم های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... خرد و کلان فراتر از سطح فردی و خانوادگی است، اینکه چگونه آراء و نظرات متفاوت شهروندان در موضوعات مختلف، تجلی و تبلور خود را نشان دهد و در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها، عینیت یابد. کیفیت این نمایندگی و شیوه های تحقق آن، علاوه بر آنکه خود تابع ماهیت و ساختار نظام سیاسی و فرهنگی هر جامعه ای است، اما در عین حال هم به لحاظ مفهومی و هم مصداقی اشتراکاتی نیز دارد. به لحاظ مفهومی مشارکت مردم در تصمیم گیری ها از مدل «دموکراسی مستقیم» در یونان باستان که تحت شرایط آن زمان اعمال اراده همه شهروندان یا عموم آنها به صورت مستقیم صورت می گرفت، در ادامه به «دموکراسی نمایندگی» در اشکال مختلف آن بویژه دموکراسی نمایندگی حزبی تغییر شکل یافت و البته محدود و متوقف در آن هم نشد تا جایی که صحبت از «دموکراسی مشارکتی» مطرح می شود. در دموکراسی نمایندگی که الان شکل و قالب اکثر نظام های سیاسی و البته نه فقط محدود به حوزه سیاسی است، مردم نماینده یا نمایندگان انتخاب می کنند و قدرت و اختیار تصمیم گیری را به نحوی که منافع عمومی آنها را که بازتابی از منابع خصوصی بویژه مشترک شهروندان است، به نمایندگان خود تفویض می کنند.

در چنین وضعیتی، تکرار و تنوع حاکم بر افکار و سلايق جامعه، خود را در تکرار احزاب، گروه ها، مجالس نمایندگی، تشکله ها، گروه های مرجع، اصناف و مجامع و نهاد هایی که وظیفه نمایندگی دارند، نشان می دهد.

■ شاخص های نمایندگی مطلوب چیست؟

اگر چه نمی توان برای همه سطوح خرد تا کلان نمایندگی و همه حوزه های آن (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، شاخص های کاملاً یکسان و عامی را تعریف کرد (بخصوص در وجه اختصاصی هر کدام)، اما خود ماهیت و تعریف نمایندگی در وجه عمومی و مشترک خود، صفات و نشانه های تقریباً مشابهی را در بر می گیرد.

از جمله این شاخص ها می توان به امانتداری نمایندگان در خصوص آرای موکلین، انتقال دادن و عینیت بخشیدن به خواسته ها و مطالبات موکلین و انتخاب کنندگان نمایندگان در تصمیم گیری ها، در نظر گرفتن منافع عمومی آنها، ارتباط مستمر نمایندگان با موکلین، گزارش دهی شفاف و مستمر به موکلین، مشورت گیری از موکلین حداقل در سطح کلی مسائل، عملکرد شفاف و منضبط مالی و اداری، پرهیز از سوء استفاده از قدرت و وکالتی که در حقیقت از جانب موکلین به نمایندگان داده شده، پرهیز از خودکامگی و فرد محوری، التزام به قواعد اخلاقی و حرفه ای نمایندگی، در دسترس بودن سهل

الوصول برای موکلین، عالمانه و شجاعانه عمل کردن و قانونمندی، اشاره کرد.

در واقع با رعایت شاخص های ذاتی و کارکردی مذکور توسط نمایندگان در هر مجموعه نمایندگی خرد و کلان اعم از نمایندگان یک تشکل مردمی زیست محیطی، نمایندگان یک صنف اقتصادی، یک اتحادیه، یک حزب سیاسی، یک گروه مرجع اجتماعی، یک جمع شورایی و... گرفته تا سطح یک مجلس و پارلمان سیاسی، می توان امیدوار بود و انتظار داشت که نظام نمایندگی مطلوب اولاً تحقق عینی یابد، ثانیاً در ادامه کار کرد و پیامد و نتایج مثبت ملموس و قابل اندازه گیری برجای گذارد، در غیر این صورت، در بهترین حالت آن، بدون تحقق شاخص های مذکور، صرفاً تشکیل و استقرار فعالیت نظام نمایندگی در یک کار شکلی، ظاهری، نمادین و تزئینی خواهد بود و نوعی فریبکاری به اسم دموکراسی، مشارکت و نمایندگی. چیزی که متأسفانه در برخی از سطوح نمایندگی در حوزه های مختلف، بخصوص پس از تشکیل، دیده می شود و بدترین پیامد آن سلب اعتماد و اطمینان فردی و جمعی و اتلاف منابع و فرصت هاست.

تحقق بخشی از موفقیت سیستم نمایندگی در همه سطوح و ابعاد آن، ابتدا و در قدم اول آن مستلزم دقت، شفافیت، واقع بینی، بررسی و مطالعه عالمانه سوابق، رویکردها و عملکردها، تخصص و تجارب نماینده یا نمایندگان برای عضویت در یک مجموعه نمایندگی، توسط موکلین و انتخاب کنندگان، یعنی در گرو انتخاب خوب و مطلوب کردن است.

در گام دوم، موفقیت نظام نمایندگی علاوه بر مهیا بودن شرایط قانونی، اجرایی و اداری، ساختاری لازم، مستلزم حفظ ارتباط متقابل بین موکلین و نمایندگان، مطالبه گری مستمر موکلین، نظارت بر عملکرد و رفتار نمایندگان، درخواست مستمر بیان کار و حفظ روحیه مشارکت و همکاری در تمام زمان نمایندگی است، بسیاری از اشکالات در این خصوص بر می گردد به تلقی ناصحیح عمومی در جامعه ما که فکر می کنیم تنها وظیفه ما فقط رأی دادن و انتخاب کردن است و تنها زمانی که باید حضور، مشارکت و نظارت داشته باشیم، زمان رأی دادن و انتخاب کردن است!!! در حالی که حضور و انتخاب درست، شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست و مراقبت، حضور و نظارت و پرسشگری و مطالبه گری پس از انتخاب هم بسیار ضروری و مفید خواهد بود.

■ نتیجه

آنکه مطلوبیت، کارآمدی و موفقیت و اثربخشی نظام نمایندگی در تمامی سطوح خرد و کلان آن و در تمامی ابعاد مختلف آن، مستلزم خوب برداشتن دو گام به ترتیب است:

گام اول: خوب انتخاب کردن نماینده و صادقانه و شفاف به میدان آمدن نماینده

گام دوم: خوب عمل کردن پس از انتخاب، هم موکلین در قاعده کلی مطالبه گری و پرسشگری بنا به شاخص هایی که ذکر شد هم نمایندگان

